



«دکتر عبدالله کتمتو»،
در گفت و گو با بیت المقدس:
مرحله تجزیه سوریه را
پشت سر گذاشته ایم

۲



اخوان المسلمین
و مقاومت اسلامی؛
گاهی دور گاهی نزدیک

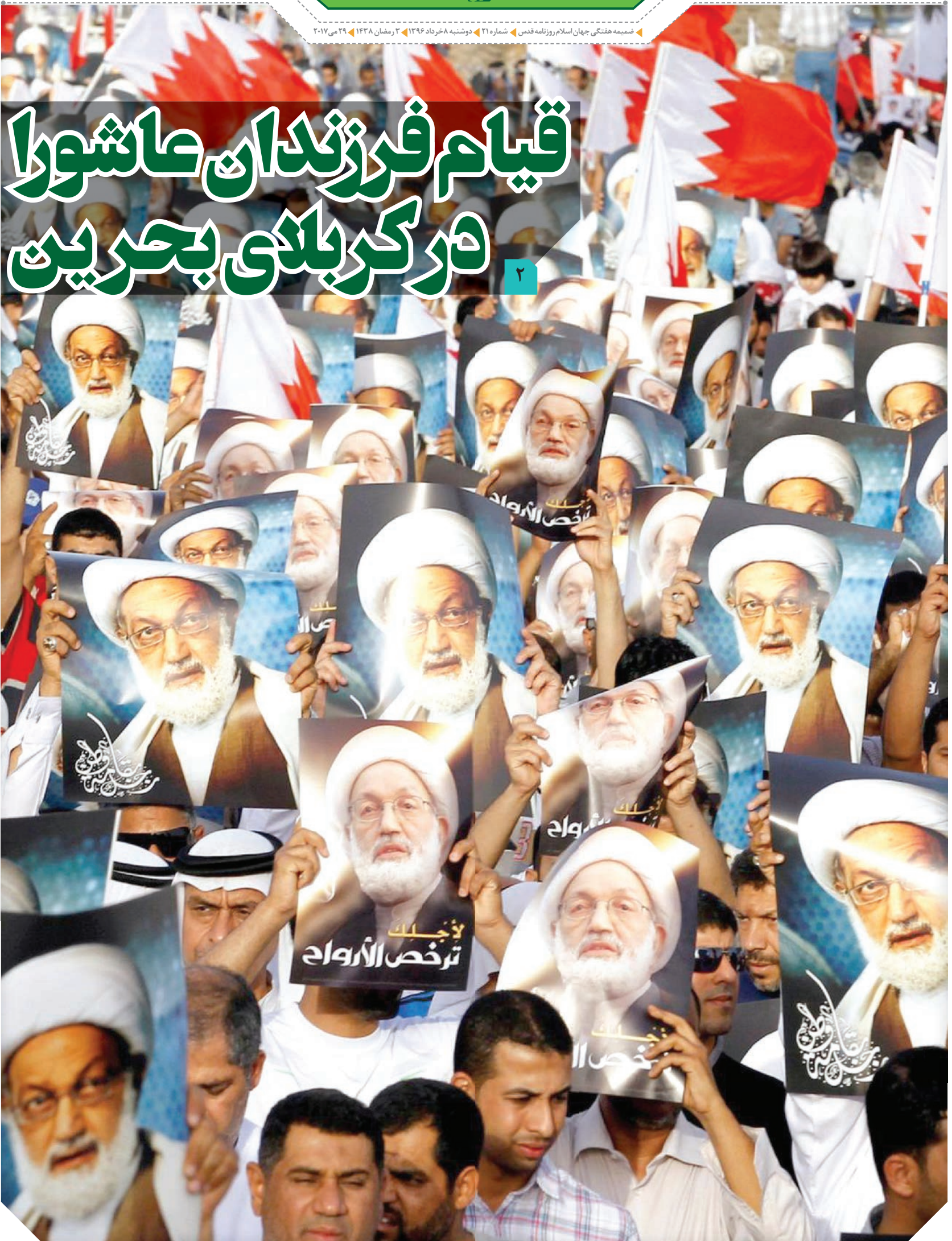


۴

شماره ۲۱ - دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۶ - ۳ رمضان ۱۴۳۸ - ۲۹ می ۲۰۱۷
شماره ۲۱ - دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۶ - ۳ رمضان ۱۴۳۸ - ۲۹ می ۲۰۱۷

قیام فرزندان عاشورا در کربلای بحرین

۲





◀ **شهادت ۵ نفر و دستگیری ۲۸۰ نفر در حمله آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم**

وزارت کشور بحرین از کشته شدن ۵ هوادار در حمله نیروهای آل خلیفه به هواداران شیخ عیسی قاسم، روحانی برجسته شیعه در منطقه الدراز خبر داد. این وزارتخانه همچنین اعلام کرد در جریان این حمله بیش از ۲۸۰ معترض بازداشت شده‌اند. این تظاهرات در اعتراض به محکومیت شیخ قاسم به حبس، از صبح سه‌شنبه آغاز شد و به سرعت در دیگر مناطق بحرین گسترش یافت. سازمان عقوبین الملل، دیده‌بان حقوق بشر، جمعیت عمل اسلامی بحرین (امل)، جمعیت الوفاق و چندین نهاد حقوق بشری دیگر سرکوب خشونت‌آمیز معترضان بحرینی را به شدت محکوم کرده‌اند. دادگاه نمایشی بحرین شیخ عیسی قاسم را به دلیل آنچه «پول‌شویی و مشارکت در تروریسم» خوانده به یک سال حبس تعلیقی و پرداخت ۱۰۰ هزار دینار بحرین (۲۶۵ هزار دلار آمریکا) جریمه محکوم کرد.

قلب زمین

سخن نخست

کربلای بحرین

محمد مهدی حیمینی



یکشنبه هفته گذشته و در حالیکه ایران اسلامی مشغول برپایی جشن مردم‌سالاری دینی و حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای برای تعیین سرنوشت خود بود، در همسایه کوچک جنوبی اش، اتفاقات دیگری در جریان بود. دادگاه فرمایشی بحرین پس از چندین بار به تعویق افتادن جلسه‌نهایی آن برگزار شد و حکم «شیخ عیسی قاسم» رهبر معنوی انقلاب بحرین و برجسته‌ترین روحانی شیعه این کشور در آن قرائت شد. درباره بحرین این نکته قابل توجه است که این جزیره در حالیکه کمی بیش از ۴۰ سال است که ظاهر استقلال پیدا کرده اما عملاً به اشغال خاندان آل خلیفه درآمده و نه تنها شیعیان بعنوان جامعه اکثریت این کشور، که حتی برخی از طوایف اهل تسنن هم تحت ظلم خاندان حاکم بوده و از حقوق قانونی خود بی بهره‌اند. رژیم حاکم بحرین در همه سال‌های اشغال این کشور تلاش کرده تا با واردات انسان از کشورهای شرق آسیا و آفریقا و اهدای تابعیت این کشور به آنها، ترکیب جمعیتی را به ضرر شیعیان تغییر دهد، اما به موازات این امر، اقدام دیگری را هم در سالهای اخیر و بویژه در چند ماه گذشته در دستور کار خود قرار داده و آن سلب تابعیت از انقلابیون بحرین به بهانه‌های واهی است. در برجسته‌ترین اتفاق تابعیت آیت الله قاسم، که در مقام رهبر معنوی شیعیان بحرین جایگاهی ویژه‌نه تنها در این کشور که در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد، حدود یک سال قبل سلب شد و پس از آن چندنوبت دادگاه‌نمایشی برای رسیدگی به اتهام واهی وی مبنی بر پول‌شویی در قالب دریافت خمس برگزار شد. دادگاهی که در نهایت حکم به یک سال حبس و پرداخت جریمه نقدی برای «شیخ» داد.

در خصوص این اقدام آل خلیفه که تقابل آشکار با اکثریت مردم این کشور، یعنی شیعیان است، نکاتی قابل طرح می‌باشد: ۱. سلب تابعیت، آنهم در مقایسه با فراگیر اقدامی عجیب در قرن بیست و یکم و دنیای مدرن است اما رژیم حاکم بحرین برهیزی از این مسئله ندارد که در دنیا به یک کشور قرون وسطایی شناخته شود.

۲. آیت الله قاسم، از اصالتی بحرینی برخوردار بوده و حتی در جریان تدوین قانون اساسی این کشور جزو موثرترین شخصیت‌ها بوده است لذا سلب تابعیت ایشان علاوه بر اینکه اقدامی غیرقانونی است، مضحک نیز می‌باشد و عملاً زمینه بی‌آبرویی بیشتر آل خلیفه نزد جهانیان را پدید آورده است. تا آنجا که در روزهای اخیر شاهد واکنش نسبتاً قابل توجه شخصیت‌ها و موسسات مختلف غربی و شرقی نسبت به این موضوع بوده‌ایم. ۳. از ابتدای انقلاب ۱۴ فوریه بحرین، گروهی در این کشور بر این باور بودند که مسیر تحقق خواسته‌هایشان از مبارزه خونین می‌گذرد و تا آل خلیفه سرنگون نشود، تحولی در این کشور رخ نخواهد داد. در مقابل جمع بیشتری بر این باور بودند که باید از طریق اعتراضات مسالمت‌آمیز، تحقق خواسته‌هایمان را دنبال کنیم. آیت الله عیسی قاسم هم از همان ابتدا بر نظر گروه دوم تاکید بیشتری داشت و بدون شک همین حمایت و نگاه ایشان بود که مانع از افتادن قیام بحرینی‌ها در ورطه مبارزه مسلحانه، آشوب‌های فراگیر و مبارزات خونین شد، اما رژیم قدرداران این نقش آفرینی عالمانه و مسالمت‌جویانه نبود و در طول ۶ سال گذشته با اقدامات خود عملاً انقلابیون را به دنبال کردن راهکار اول سوق داد. اگر چه در این مسیر با هم شیخ تلاش نمود تا حداکثر میزان ممکن مانع از برجسته شدن گزینه قیام آتشین شود، اما عملاً از هفته گذشته با حمله گسترده نیروهای امنیتی و مزدوران رژیم به منطقه الدراز و بیت آیت الله قاسم، که منجر به شهادت حداقل ۵ جوان مبارز و اسارت صدها جوان دیگر شد، عملاً گزینه اعتراض آرام و مسالمت‌آمیز از روی میز انقلابیون برداشته شده و آنها را مجبور در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح آل خلیفه که مستطهر به نیروهای سعودی هستند، به گزینه قیام مسلحانه و مبارزه آتشین روی خواهند آورد، آنگونه که ساعتی پس از حمله به الدراز در بیانیه علمای بحرین هم به آن اشاره شد: «بسم الله والله اکبر اگر صحنه را کربلا می‌خواهند، ما فرزندان کربلا هستیم. در تمامی مناطق زن و مرد، پیر و جوان کفن پوش به خیابان‌ها آمده و در تمامی مناطق «میدان فداییان» بر پا خواهیم ساخت و به «میدان فداییان» بزرگ در الدراز کفایت نخواهیم نمود».

«دکتر عبدالله کتمتو»، نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام در گفت و گو با بیت المقدس:

روح الله فرقاتی فدافن

مرحله تجزیه سوریه را پشت سر گذاشته ایم



سوریه روزهای خاصی را پشت سر می‌گذارد، از یک سو اجلاس‌های سیاسی برای حل و فصل بحران سرعت و تداوم بیشتری پیدا کرده و قرین به توفیقات حداقلی بوده و در گام نخستین زمینه را برای آتش بس فراگیر و خاتمه بحران نظامی فراهم نموده است، همچنین ارتش عربی سوریه با همراهی رزمندگان محور مقاومت توفیقات میدانی خود را ادامه داده و در همین مسیر توانسته است با محاصره موثر تروریست‌ها در چند منطقه،

وحدتی که اخیراً در سوریه شاهد آن هستیم تمام معادلات تروریست‌ها را به هم ریخته است و امیدوارم به زودی شاهد آزادسازی کل خاک سوریه از دست گروه‌های تروریستی تکفیری باشیم

آنها را مجبور به تخلیه شهرهای تحت تصرف و کوچ اجباری به سایر مناطق تعیین شده کند ضمن اینکه امکان رفع حصار از مردم برخی مناطق اشغالی توسط تکفیری‌ها را نیز فراهم کرده است. در همین شرایط بسیاری از کارشناسان معتقدند ایده تجزیه کشور سوریه به چند منطقه براساس تقسیم بندی مذهبی، عملاً شکست خورده و دیگر زمینه اجرایی کردن آن فراهم نیست. برای پیگیری بیشتر این موضوع به سراغ یکی از چهره‌های سرشناس سیاسی-مذهبی سوریه رفتیم.

«دکتر عبدالله کتمتو» نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام و هماهنگ کننده انجمن علماء در یاری



رساندن به فلسطین در گفت و گو با بیت المقدس، بابیان اینکه مسئله تجزیه سوریه دیگر قابل مطرح کردن نیست، اظهار داشت: اکنون اهل علم و قدرت در سوریه با هم متحد شده‌اند و با اتحاد خود توانستند گروه تروریستی داعش که مال و جان مردم را دریده است در حلب و دیگر نقاط سوریه شکست دهند. وی ادامه داد: تا زمانی که این اتحاد و همدلی وجود داشته باشد گروه‌های تکفیری نمی‌توانند در شهرهای سوریه جولان دهند و کودکان و مردم این کشور را مورد ظلم و جنایت خود قرار دهند. نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام، افزود: وحدتی که اخیراً در سوریه شاهد آن هستیم تمام معادلات تروریست‌ها را به هم ریخته است و امیدوارم به زودی شاهد آزادسازی کل خاک سوریه از دست گروه‌های تروریستی تکفیری باشیم.

شیخ کتمتو تاکید کرد: امروز دیگر شاهد طرح تقسیم کشورمان سوریه نیستیم چرا که وحدت مردم و ارتش این کشور باعث شده است تا تروریست‌ها هر روز از شهرهای سوریه عقب رانده شوند. وی با اشاره به احتمال تجزیه سوریه از سوی تروریست‌ها، یادآور شد: مرحله تقسیم سوریه پشت سر گذاشته شده است، آن‌ها برای تحقق این تجزیه‌روی این مسئله حساب باز می‌کردند که حلب، حومه آن و ادلب را بگیرند و به مناطق دیگر تحت اشغالشان ملحق کنند اما اکنون این موضوع دیگر مطرح نیست و سوریه واحد و یکپارچه باقی خواهد ماند. دکتر کتمتو افزود: هیچ یک از سوری‌ها موافق با تقسیم کشورشان نیستند حتی مخالفان داخلی حکومت بشار اسد نیز مخالف تقسیم سوریه هستند.



ایجاد کرسی اسلام‌شناسی توسط دانشگاه مذاهب اسلامی ایران در دانشگاه اندونزی

در جریان سفر حجت‌الاسلام مختاری رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی کشورمان به کشور اندونزی تفاهم‌نامه مهم همکاری میان دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشگاه حسن الدین به عنوان بزرگترین دانشگاه شرق اندونزی در شهر ماکاسار به امضا رسید.

راندازی کرسی اسلام‌شناسی توسط دانشگاه مذاهب اسلامی ایران در دانشگاه حسن الدین یکی از موارد این تفاهم‌نامه بود که این کار با اعزام دورهای استادان از ایران به اندونزی انجام خواهد شد.

دانشگاه حسن الدین در شهر ماکاسار استان سولاویسی جنوبی کشور اندونزی با بیش از ۳۱ هزار دانشجو در همه رشته‌ها و نزدیک ۵۰۰ استاد و هیئت علمی به عنوان بزرگترین دانشگاه شرق اندونزی شناخته می‌شود.

[قلب زمین]

بیت المقدس ابعاد مختلف قرارداد تسلیحاتی سعودی-آمریکار ابررسی می‌کند

رامین حسین آبادیان



«باج بزرگ» ریاض به واشنگتن برای مقابله با ایران

فرشته نجات آن‌ها در برابر قدرت مثال‌زدنی تهران باشد.

امضای قرارداد تسلیحاتی نجومی سعودی با واشنگتن، در واقع قمار بزرگی بود که ریاض به دلیل دشمنی‌های دیرینه خود با ایران و کینه‌ورزی‌های کور کورانه نسبت به تهران، مجبور شد به آن تن در دهد. مقامات ریاض با وجود اعطای یک باج بزرگ به رئیس‌جمهور آمریکا که روحیه «کاسب‌کارانه» و «تاجر مسلکی» وی زیانزد عام و خاص است، هیچ تضمینی از وی بابت عملیاتی کردن لفاظی‌های فریبکارانه‌اش علیه ایران، دریافت نکردند. در واقع، اینگونه که به نظر می‌رسد ترامپ به عربستان سعودی به چشم گاوی نگاه می‌کند که ابتدا باید شیرش را تا انتها دوشید و سپس سرش را از تن جدا کرد. ریاض با امضای قرارداد تسلیحاتی اخیر با واشنگتن، سود اقتصادی سرشاری را نصیب آمریکا کرد؛ سودی که پول آن به بهانه مقابله با ایران از جیب جهان اسلام هزینه خرید تسلیحاتی شد که قرار است در آینده با بهره‌از آن همچنان خون مسلمانان را در یمن، بحرین، عراق و سوریه بر زمین بریزد.

در هر صورت، نشست ریاض به پایان رسید و بار دیگر چهره واقعی خاندان سعودی برای افکار عمومی نمایان شد؛ خاندانی که به دروغ، خود را حامی مهم‌ترین مسئله جهان اسلام یعنی فلسطین معرفی می‌کنند و در عرصه عمل، خنجر خود را از پشت بر پیکره فلسطینیان فرو می‌برند. پس از نشست ریاض، فلسطینیان بار دیگر دریافتند که «مسئله فلسطین» برخلاف ادعاهای نخ‌نمای ریاض هیچ جایگاهی در قاموس عربستان سعودی ندارد. سعودی‌ها به همگان اثبات کردند که دلارهای نفتی خود را نه برای آزادسازی قدس اشغالی که برای ضربه زدن به محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی، هزینه می‌کنند. سعودی‌ها طی سال‌های اخیر آموخته‌اند که اهداف شوم خود در منطقه را تحت شعار دروغین «مبارزه با تروریسم» عملیاتی کنند؛ شعاری که البته محور



جمهوری خواه آمریکا و رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای این کشور سفر ترامپ به عربستان را ارسال پیامی محکم از سوی واشنگتن و متحدانش به ایران مبنی بر آمادگی برای متوقف نمودن تلاش‌های تهران در بی‌ثبات‌سازی منطقه توصیف کرد. سناتور کنونی ایالت «آریزونا» در این باره ادعا کرد: «اگر می‌خواهیم قاطعانه مانع تلاش‌های مداوم ایران برای اعمال قدرت در منطقه بشویم، یقیناً وی تردید، این سفر گامی مهم و رو به جلو خواهد بود».

هر چند که مقامات سعودی تلاش می‌کنند خود را بی‌نیاز از آمریکا در حل و فصل تنش‌ها و بحران‌های خودساخته در منطقه جلوه داده و اینگونه وانمود کنند

اسلام و رهبری کشورهای جهان اسلام را دارد. درست به همین دلیل است که سعودی‌ها ۱۷ کشور عربی و اسلامی را با هزینه‌های سرسام‌آور در ریاض گرد هم آوردند.

عربستان سعودی، ایران را بزرگترین مانع در برابر تحقق سیاست‌های توسعه طلبانه خود در منطقه قلمداد می‌کند. از همین روی، با برگزاری نشست اخیر در ریاض تلاش کرد تا یک ائتلاف بزرگ عربی-آمریکایی را علیه جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد. در واقع، سعودی‌ها با امضای قراردادهایی به ارزش ۳۸۰ میلیارد دلار باج بزرگی را به آمریکا برای مقابله با سیاست‌های ایران در منطقه دادند؛ باجی که البته ترامپ مدت‌ها پیش خواستار آن شده و صراحتاً اعلام کرده بود: «عربستان باید هزینه حمایت‌های آمریکا از ریاض را بپردازد».

مقامات آمریکا خود نیز به هدف اصلی قرارداد تسلیحاتی نجومی با عربستان که در واقع برای مقابله با ایران امضا شده است، اذعان کرده‌اند. در همین ارتباط، «کس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا می‌گوید: «این قرارداد تسلیحاتی مشخصاً در برابر نفوذ بدخواهانه ایران و تهدیدهای مرتبط با ایران در سراسر مرزهای عربستان سعودی است». آمریکایی‌ها با امضای این قرارداد تسلیحاتی، طبق ضرب‌المثل «یک تیر و دو نشان» رفتار کردند؛ آن‌ها از یک سوی توانستند پادشاهی‌های اخیر خود به جمهوری اسلامی را از ریاض دریافت کنند و از سوی دیگر، با وادار کردن سعودی‌ها به خرید تسلیحات بیشتر از واشنگتن، شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات در آمریکا را سرپا نگاه داشتند. اظهارات اخیر یکی از سناتورهای تندرو آمریکا در خصوص سفر رئیس‌جمهور این کشور به ریاض، به خوبی از اهداف واقعی مقامات سعودی برای مقابله با ایران از طریق برگزاری نشست «اسلامی-آمریکایی» پرده برمی‌دارد. «جان مک‌کین» سناتور تندرو

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا هفته گذشته عربستان سعودی را به عنوان نخستین ایستگاه سفرهای خارجی خود انتخاب و به ریاض سفر کرد. یکی از اهداف اصلی ترامپ از انجام این سفر شرکت در نشست «عربی-اسلامی-آمریکایی» در شهر ریاض بود؛ نشستی که بنابر ادعای مقامات سعودی برای فراهم کردن مقدمات تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی ضد تروریسم برگزار شد. با این حال، آنچه که بیش از هر خبر دیگری در صدر اخبار رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت، نشست «اسلامی-آمریکایی» و تحولات مربوط به آن نبود، بلکه قرارداد تسلیحاتی میان عربستان سعودی و آمریکا بود که به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار، میان دو طرف به امضاء رسید.

ناگفته نماند که ارزش قرارداد تسلیحاتی میان عربستان سعودی و آمریکا به تنهایی ۱۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است و ارزش مجموع قراردادهای امضا شده میان دو طرف به بیش از ۳۸۰ میلیارد دلار می‌رسد. امضای قرارداد تسلیحاتی نجومی میان ریاض و واشنگتن با اظهارات تند مقامات آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور و وزیر خارجه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران همزمان شد. ترامپ در سخنانی مدعی شد: «ایران از تروریست‌ها حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل می‌آورد. ایران به مشکلات طایفه‌ای دامن می‌زند و عامل بی‌ثباتی در لبنان، عراق و یمن است. دخالت‌های ایران ثبات سوریه را برهم زده است. ما باید در راستای انزوای ایران و ممانعت از حمایت مالی این کشور از گروه‌های تروریستی گام برداریم».

واقعیت این است که عربستان سعودی برای ترتیب دادن نشست سران کشورهای عربی-اسلامی با مقامات ارشد آمریکایی در شهر ریاض هزینه‌های هنگفتی را صرف کرد. ریاض از این طریق در تلاش است تا خود را به عنوان رهبر جهان اسلام معرفی کند. عربستان سعودی سال‌هاست که داعیه پرچمداری

سعودی‌ها طی سال‌های اخیر آموخته‌اند که اهداف شوم خود در منطقه را تحت شعار دروغین «مبارزه با تروریسم» عملیاتی کنند؛ شعاری که البته محور نشست اخیر ریاض نیز قرار گرفت



نشست اخیر ریاض نیز قرار گرفت. عربستان سعودی در حالی این شعار پُرطمطراق را سر می‌دهد که خود، حامی اصلی تروریسم در منطقه به شمار می‌رود. در همین راستا، «تولسی باگارد» عضو کنگره آمریکا در حین برگزاری نشست ریاض تصریح کرد: «عربستان سعودی بزرگترین حامی تروریسم محسوب می‌شود، افتتاح مرکز مقابله با تروریسم در عربستان یک اقدام مسخره است. عربستان سعودی داعش و القاعده را تقویت می‌کند».

که قرارداد تسلیحاتی امضا شده ارتباطی به مشکلات دیرینه آنها با ایران نداشته و ریاض به تنهایی قادر به مقابله با تهران است، اما تمامی شواهد، درست خلاف آنچه را که ریاض در صدد پنهان کردن آن است، نشان می‌دهد. سعودی‌ها به خوبی دریافت‌اند که حتی از طریق هم‌گرایی با متحدان منطقه‌ای خود نیز قادر به مهار قدرت روزافزون انقلاب اسلامی و نفوذ فراگیر آن در منطقه نیستند. به همین دلیل است که دست به دامان آمریکایی‌ها شدند تا شاید واشنگتن بتواند



مکزیک به کشورهای اسلامی گوشت صادر می کند

باروی کار آمدن ترامپ در آمریکا و اتخاذ سیاست هایی علیه مکزیک و مردم این کشور، مکزیکیستی مجبور شده برای صادرات به فکر کشورهای جدید باشد. آمریکا ۹۶ درصد گوشت تولیدی مکزیک را به ارزش ۶/۱ میلیارد دلار در سال می خرید. حالا که زمزمه پایان معاهدات و توافقات اقتصادی دو کشور به گوش می رسد، مکزیک به کشورهای اسلامی در خاورمیانه چشم دوخته تا صادرات گوشت خود را ورشکسته نبیند. مکزیکی ها که ششمین تولیدکننده عمده گوشت در جهان هستند توانسته اند ۱۵ مجوز ذبح حلال گوشت را از کشورهای اسلامی دریافت کنند. حالا آنها به مصر، لبنان و قطر برای صادرات گوشت چشم دوخته اند تا جلوی اقدامات منفی ترامپ را سد کنند.

سیاوش فلاح پور



اخوان المسلمین و مقاومت اسلامی؛ گاهی دور گاهی نزدیک



دیوید، مجدداً همه را به موقعیت اصلی خود بازگرداند. سادات در پی کسب موفقیت مختصری در جنگ و بازپس گیری تنها بخشی از خاک مصر، حاضر به پذیرش توافقی عجیب با آمریکا و اسرائیل شد که بر اساس آن، مصر به عنوان رهبر جهان عرب، اسرائیل را به رسمیت شناخت و از آرمان آزادسازی سرزمین فلسطین دست کشید.

طبیعی است که پیش از هر کس، این اخوان المسلمین بود که علیه چنین توافقی دست به اعتراض زد، اعتراضی که نقاب از چهره سادات برداشته و زمینه را برای شدیدترین سرکوب های امنیتی در تاریخ مصر، علیه اخوان، فراهم کرد.

بدون شک، اخوان از آزمون مخالفت با توافق کمپ دیوید و مقاومت علیه نظام تا دندان مسلح سادات، سربلند بیرون آمد، اما همانطور که در ابتدا یادآوری شد، این تمام کارنامه اخوان نیست.

عجیب آور است که بدانیم، حرکت اخوان المسلمین، سال ها پس از ترور سادات به جرم امضای توافق کمپ دیوید و آنگاه که پس از سرنگونی حسنی مبارک، با تکیه بر رای مردم به قدرت رسید، نه تنها به ادامه چنین توافقی تن داد، بلکه کمابیش به جزئی از پازل مخالفان مقاومت تبدیل شد.

مطالعه سرنوشت اخوان المسلمین تا به امروز، ما را با ایستگاه های متعدد و مهمی در حیات تاریخی این حرکت اسلامی روبرو می کند. بدون شک، اخوان در ایستگاه سوریه، کارنامه قابل دفاعی از خود به جای گذاشت، امری که تا حد زیادی بر اعتبار و مشروعیت این حرکت سایه افکنده، اما از سوی دیگر، نمی توان فراموش کرد که اخوان المسلمین، همچنان به آرمان فلسطین و مقاومت علیه اسرائیل باور دارد. همانطور که گفته شد، سرنوشت اخوان در نسبت این حرکت با مقاومت و مسئله فلسطین تعریف می شود، باید دید انتخاب سرنوشت ساز رهبران اخوان المسلمین در این روزگار تاریخ ساز چه خواهد بود.

بانی اخوان توسط دولت تحت قیمومیت بریتانیا، به شهادت رسید.

پس از این دوره و در نبود حسن البنا، اخوان با بحران های متعددی، از جمله در مسئله تعیین رهبری حرکت مواجه شد، به طوریکه تا سال ۱۹۵۱ و انتخاب حسن الهضیبی، بدون وجود رهبری مشخص به حیات سیاسی خود ادامه داد.

در سال ۱۹۵۲، کودتای افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر و با کمک موثر اخوان المسلمین به پیروزی رسیده و آخرین نفس های استعمار بریتانیا در مصر بریده شد. در اینجا بود که دومین ضربه تاریخی به



پیکره اخوان، این بار نه به دست نیروهای استعمارگر، بلکه توسط نظامیان تازه به قدرت رسیده وارد شد، به طوریکه بر خلاف رایزنی های اولیه عبدالناصر، موج وسیعی از سرکوب، به مراتب شدیدتر از دوران پیشین، علیه اخوان آغاز شد. در این دوران بود که بسیاری از رهبران اخوان، از جمله الهضیبی و سید قطب به زندان رفته و اعدام شدند. با روی کار آمدن انور سادات در ۱۹۷۰، فضای باز، به عنوان تاکتیکی از سوی حاکمیت مصر، به منظور جلب مشروعیت در جامعه به اخوان بخشیده شد. به این ترتیب درهای زندان ها گشوده شده و فعالیت های سیاسی اخوان با وجود برخی محدودیت ها، ادامه پیدا کرد. اما این مصالحه مصلحتی دیری نپایید و توافق کمپ

زود راه خود را به قاهره و از آنجا به سرتاسر جهان اسلام پیدا کرد.

نکته قابل توجه در این زمینه، همزمانی ورود اخوان المسلمین به صحنه تحولات جهان اسلام با شکل گیری اولین هسته های مقاومت در فلسطین است. دو جریانی که طی دهه های بعد، در معرض آزمون های سختی قرار گرفتند.

نگاهی مختصر به کارنامه اخوان، گویای این حقیقت است که هر گونه انحراف و در پی آن ناکامی این حرکت مهم اسلامی، همزمان بوده است با دوری اخوان از مقاومت و آرمان فلسطین.

عجیب آور است که بدانیم، حرکت اخوان المسلمین، سال ها پس از ترور سادات به جرم امضای توافق کمپ دیوید و آنگاه که پس از سرنگونی حسنی مبارک، با تکیه بر رأی مردم به قدرت رسید، نه تنها به ادامه چنین توافقی تن داد، بلکه کمابیش به جزئی از پازل مخالفان مقاومت تبدیل شد

تاریخ مقاومت، هیچ گاه حضور داوطلبانه و پرشور گردان های متشکل از جوانان شیفته اخوان المسلمین، در اولین نبرد ارتش های عربی علیه اسرائیل در ۱۹۴۸، به طور جداگانه از ارتش مصر، فراموش نخواهد کرد.

فاصله میان سال های ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۸، تنها فرصت تاریخی اخوان المسلمین، برای تبیین مبانی نظری و تثبیت موقعیت اجتماعی-سیاسی خود، به دور از سرکوب های حکومتی به شمار می آید.

اما پس از این دوره زمانی و آغاز بحران هایی که در پی اعلام رژیم جعلی اسرائیل در منطقه شکل گرفت، دوران مبارزات داخلی اخوانی ها نیز تا به امروز آغاز شد. به این ترتیب، فضا به طرز بی سابقه ای برای اخوان بسته شد و طی کمتر از یک سال، رهبر و

حرکت «اخوان المسلمین»، نامی جدایی ناپذیر از تحولات سیاسی-اجتماعی جهان اسلام در دوران معاصر است و به نسبت تمام دشواری ها و پیچیدگی هایی که بر سر راه فهم صحیح شرایط اسلام و مسلمین در این دوران وجود دارد، فهم ماهیت و عملکرد سیاسی اخوان نیز، امری پیچیده و دشوار به حساب می آید.

حرکت اخوان المسلمین همواره فاصله خود را با نظام های دیکتاتوری عربی حفظ کرده است، امری که هزینه هایی بسیار سنگین، از ترور یا اعدام رهبران اخوان گرفته تا تحمل سال ها زندان و تمام انواع محدودیت های سیاسی و اجتماعی برای بدنه این حرکت را در پی داشته است.

از سوی دیگر، رویکرد ضد استعماری اخوان، همواره مانع از آن شده است که اتهامات دیکتاتوری های عربی، مبنی بر وابستگی اخوان به غرب، مورد پذیرش متن جوامع اسلامی قرار بگیرد.

اما این تمام کارنامه اخوان نیست؛ حرکت اخوان المسلمین در کنار دستاوردهای قابل دفاع و گاه درخشان خود، نقاط بسیار تاریکی را نیز به همراه دارد، نقاطی که از قضا، همواره با نزدیکی اخوان به صحنه عمل و به ویژه قدرت، پررنگ تر شده اند.

با این حال، در پی انقلاب های بیداری اسلامی و سقوط برخی از دیکتاتورهای عربی، نگرانی نظام های مترجع تر عرب، همچون عربستان سعودی و یا امارات، نسبت به اقدامات و نفوذ اخوان، بیش از پیش به چشم می خورد. از این رو شاید مناسب باشد نگاهی مختصر به سیر و سرنوشت این حرکت عربی-اسلامی تا به امروز داشته باشیم؛

بسیاری از حرکت اخوان المسلمین، واکنشی از سوی ناخودآگاه جوامع عربی، به سقوط امپراتوری عثمانی، آن هم به دست ترک های جوان سکولار مشرب به

حساب می آورند. دورانی که در سایه خلأ گفتمان فرسوده و شکست خورده عثمانی ها از یک سو و حضور پررنگ استعمار از سوی دیگر، متن جوامع عربی را به طرز خطرناکی، پذیرای تفکرات و مسلک های نظری-عملی غربی کرده بود.

در چنین شرایطی، پژواکی تاریخی از کرانه کانال سوئز و شهر اسماعیلیه مصر، توسط حسن البنا، متن جوامع عربی را به خود آورده و ندای بازگشت به اسلام، در جهت ساخت آینده مسلمانان را به گوش آنان رساند.

اهمیت نظری و تاریخی این حرکت در قلب جهان اسلامی به حدی بود که علی رغم سيطرة استعمار بریتانیا بر سرتاسر مصر و فقدان امکانات اساسی در جهت ترویج این تفکر، نام و آوازه اخوان، خیلی



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[قبله اول]

◀ علی اصغر پروچردی



نمایش تجدید بیعت ترامپ با صهیونیست‌ها



◀ واکنش یکی از شخصیت‌های شیعیان مصر به اظهارات ضد شیعی سلفی‌ها

«طاهر الهاشمی» از رهبران شیعیان مصر گفت: سلفی‌ها علیه ما شایعه پراکنی می‌کنند و برخی رسانه‌ها نیز این شایعات را نشر می‌دهند؛ امری که باعث سردرگمی می‌شود و بحران‌هایی ایجاد می‌کند که به ضرر جامعه و کشور است. وی افزود: به دلیل همین شایعاتی که از سوی برخی ترویج می‌شود و از سوی برخی رسانه‌ها نیز منتشر می‌شود، برخی گروه‌ها از رهگذر فرقه‌گرایی به مزدوری و خیانت متهم می‌شوند. برخی از شخصیت‌های جریان سلفی برای گفتگو با شیعیان تلاش می‌کنند در حالی که برخی دیگر مخالف چنین گفتگویی هستند و شرط گذاشته‌اند که شیعیان باید مذهب خود را کنار بگذارند و به روش اشتباه خود در اهانت به صحابه و سب آنها اقرار کنند.

اولین سفر خارجی رئیس جمهور آمریکا به سه مکان مقدس ادیان ابراهیمی، بازتاب‌های فراوانی در رسانه‌های جمعی به همراه داشت اما آنچه در این نوشتار قرار است به آن بپردازیم حضور او در سرزمین‌های اشغالی است که به تعبیری با افتتاح خط هوایی ریاض- تل‌آویو همراه بوده است، چراکه هوایی‌های ترامپ نخستین هواپیمایی بود که بصورت علنی و اعلام شده از پایتخت کشوری که ادعای رهبری جهان اسلام را دارد راهی مرکز رژیم اشغالگر قبله اول مسلمانان شد.

در ادامه نکات مهم این سفر را مرور خواهیم کرد: در کنفرانس مطبوعاتی مشترک رئیس جمهور ایالات متحده و نخست وزیر رژیم صهیونیستی نام ایران ترجیع بند سخنان هر دو آنها بود. آنها از حقوق بشر و از لزوم اتحاد علیه ایران سخن گفتند ولی از اعتصاب غذای ۴۰ روزه زندانیان فلسطینی در بند اسراییل، خشونت‌های مذهبی علیه مسلمانان در سرزمین‌های اشغالی، تداوم تخریب منازل فلسطینی‌ها و شهرک سازی اشغالگران چیزی نگفتند و مجدداً اثبات کردند که حقوق بشر آن سطور نگاشته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست بلکه ملاک همسویی یا عدم همسویی منافع امپریالیسم نسبت به آن نوشته جات است. آنها هم چنین سعی کردند با آوردن نام ایران در کنار داعش، این دو را در یک جبهه و خود را در طرف مقابل آن نشان دهند. چیزی که ترامپ پیشتر و در جریان مبارزات انتخاباتی آمریکا عکس آن را گفته بود. دونالد ترامپ در کوران رقابت‌های انتخاباتی در مصاحبه با برنامه ۶۰ دقیقه شبکه سی بی اس نیز گفته بود: «هیلاری کلینتون (نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا) با سیاست‌های احمقانه‌اش داعش را اختراع کرد. او مسئول ظهور داعش است».

از نکات مهم دیگر این سفر حضور ترامپ در مقدس ترین مکان صهیونیست‌ها است. ترامپ اولین رئیس جمهور آمریکاست که در زمان تصدی این پست در برابر دیوار ندبه، هفتاد و نهمین مزمور از



کتاب مزامیر داوود نبی (ع) را می‌خواند: «قهر خود را بر امتیاهی که تو را نمی‌شناسند بریز و بر مالکی که نام تو را نمی‌خوانند» و در فرازی دیگر «و جزای هفت چندان به همسایگان ما رسان، برای اهانتی که به تو کرده‌اند ای خداوند». البته او به حضور در کنار دیوار و دست گذاشتن روی آن اکتفا کرد و مناسک را کامل اجرا نمود.

کند. این در حالی است که نتانیاهو رهبر حزب راست‌گرای افراطی «لیکود» در رژیم صهیونیستی است و از مبانی این حزب به رسمیت شناختن حق ملت یهود در تصاحب تمام سرزمین فلسطین است و در واقع این حزب خواستار تسلط اسراییل بر نوار غزه و کرانه باختری رود اردن و بیرون راندن اعراب از آن است تا بدین ترتیب تسلط آنها بر سرزمین فلسطین

کامل شود.

برخی سیاستمداران فلسطینی با اتلاف وقت و طرح ایده‌های از پیش شکست خورده مانند طرح دو کشوری اصرار بر راه رفتن در مسیری اشتباه دارند. تاسیس رژیم به نام اسراییل به بهانه هلوکاست و با هدف تحقق آمال یهودیان ارتدوکس از اساس اقدامی غیر قانونی، غیر انسانی و نژادپرستانه بوده است. رژیم اسراییل اگر امروز حاضر است درباره ایده دو کشوری سخن بگوید صرفاً به علت احساس ضعف ناشی از شکست‌های پی در پی از محور مقاومت است. به

در این بخش از نوشتار لازم است اشاره‌ای هم به سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی پیرامون راه حل مسئله فلسطین داشته باشیم: «بنده عقیده‌ام این است، این اعتقاد ما است که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه‌مند به سر نوشت فلسطینند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ صفت چیزی کاسته نخواهد شد».

لزوم پیوستن جوانان کرانه باختری به صفوف مجاهدین، خیلی زود رنگ واقعیت به خود گرفت و در چند ماه گذشته و در جریان انتفاضه سوم فلسطینی‌ها، بیش از ۲۰۰ شهید جان خود را در راه آرمان آزادی قدس شریف تقدیم کردند. امروز در حالیکه برخی حکام عرب ایایی از نزدیکی به رژیم صهیونیستی ندارند و نیز برخی چهره‌های شاخص فلسطینی دست تسلیم خود را در مقابل شکل‌گیری کشور اسرائیل بالا برده‌اند، پیوستن جوانان کرانه باختری رود اردن به صف پیروان گزینه مقاومت و مخالفان اشغال یک وجب از خاک فلسطین، نوید بخش روزهایی سخت برای کاسب مسلمانانی است که در نقاط مختلف کره خاکی بدنبال معامله بر سر سرزمین مقدس مسلمانان هستند. اگر چه این ایام بدلائل مختلف شرایط برای مبارزین فلسطینی دشوار است اما در کنار همین دشواری‌ها، رویش‌های جدیدی سر می‌زند که امید به آینده و روزهای خوب برای قبله اول مسلمانان رو دو چندان می‌کند.

لزوم پیوستن جوانان کرانه باختری به صفوف مجاهدین، خیلی زود رنگ واقعیت به خود گرفت و در چند ماه گذشته و در جریان انتفاضه سوم فلسطینی‌ها، بیش از ۲۰۰ شهید جان خود را در راه آرمان آزادی قدس شریف تقدیم کردند

بیان دیگر آنها به محض اینکه احساس قدرت کنند نه تنها به ایده دو کشوری بلکه به هیچ یک از قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی پایبند نخواهند بود. تاریخچه عملکرد این رژیم به تنهایی موبداین فرضیه است. انحلال رژیم نژادپرست اسراییل و برگزاری انتخابات بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان ساکن در سرزمین فلسطین برای انتخاب یک دولت ائتلافی راه حل منطقی مسئله فلسطین خواهد بود.



◀ پیروزی اسرای فلسطینی در نبرد آزادی و کرامت

منابع فلسطینی از پیروزی اسرای فلسطینی در اعتصاب غذای آزادی و کرامت و توقف اعتصاب خبر می دهند. بنابر این گزارش، رژیم صهیونیستی پس از مذاکرات طولانی با کمیته اعتصاب به پذیرش همه شرایط اسرای فلسطینی تن داده است. قریب به ۲۰۰۰ اسیر فلسطینی از روز هفدهم آوریل ۲۰۱۷ (چهار روز پیش) اعتصاب غذای دسته جمعی خود را برای بازگرداندن شرایط تعلیم انسانی در زندانهای رژیم صهیونیستی آغاز کرده بودند. براین اساس اسرای فلسطینی در نخستین روز ماه مبارک رمضان پس از پذیرش شرایط آنها در مذاکراتی که ۲۰ ساعت میان رهبران اعتصاب و سازمان های زندان های رژیم صهیونیستی به درازا کشیده اعتصاب خود پایان دادند.

حامد رضایی



«سید قطب»؛ متفکری جهادی، تکفیری و یا تمدنی؟!



داعش بوجود می آید که با همین مبنا مردم عادی را نیز تکفیر کرده و می کشد. در واقع قضا یا گام به گام به سمت افراط جلورفت.

هیچ دلیلی وجود ندارد که بگوییم سید قطب مسلمین را تکفیر کرده اما مباحث او زمینه را برای سوء استفاده تکفیری ها فراهم کرده است. سید قطب باید مشخص می کرد که منظورش از کفر جوامع جاهلی، کفر از اسلام است یا کفر از ایمان؟ کفر از اسلام فرد را از دایره مسلمین بیرون می کند ولی کفر از ایمان نافی مسلمان بودن شخص نیست.

نتیجه گیری

سید قطب جهادی هست ولی تکفیری نیست. او رویکردی تمدنی دارد چرا که می خواهد ارزش های اسلام را در تمام ابعاد زندگی بشر جاری سازد و مسلمانان را به رهبری بشریت برساند. از این نظر او با انقلاب اسلامی همسو است. اما تفاوت سید قطب با امام خمینی «ره»، تفاوت سایر انقلابیون با امام بود. اکثر انقلابیون ما -از جمله مبارزان مذهبی- نیز

حق و باطل نمی توانند در زمین با هم زندگی کنند. لذا حرکت آزادی بخش جهادی، تا وقتی که «دین همماش از آن خدانشود» هیچگاه متوقف نمی شود.

سید قطب می گوید: «تنها یک میهن وجود دارد که «دارالاسلام» است. یعنی آن دیاری که دولت مسلمان در آن وجود دارد و شریعت خدا بر آن حکم می راند و مسلمانان ساکن آن نسبت به یکدیگر ولاء و احساس مسئولیت دوستانه دارند. خارج از قلمرو دارالاسلام «دارالحرب» است و رابطه مسلمان با آن، یا جنگ و مبارزه یا صلح بر اساس معاهده است»

آیا سید قطب تکفیری است؟

مباحث سید قطب درباره جامعه اسلامی و جامعه جاهلی، باعث شد که بعدها عده ای نوعی تکفیر ایدئولوژیک از آن بیرون بکشند. مباحث سید قطب چنین ظرفیتی را داشت ولی آیا واقعا سید قطب تکفیری بود؟

سید قطب با استناد به آیه «من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون» جامعه ای که در آن به احکام اسلامی عمل نشود را جاهلی نامید. او این اصل کلی را

مطلب نکته دار در ترویج دین، بیشتر است... سید قطب درست گفت»

وقتی که تشکیل حکومت اسلامی به امری حیاتی تبدیل می شود، طبیعتاً مبارزه با حکومت های غیر اسلامی و انقلاب علیه آنان نیز اهمیت می یابد. اینجاست که «جهاد» موضوعیت پیدا می کند. همه چالش موافقان و مخالفان سید قطب ریشه در مسئله جهاد دارد.

جهاد در اندیشه سید قطب

سید قطب جهاد را صرفاً وسیله ای برای دفاع از مسلمانان ندانسته و معتقد است: «جهاد در اسلام حرکتی است برای دفاع کردن از انسان و آزاد کردن او در زمین.» او معتقد است که اسلام آمده تا تمام طاغوت های روی زمین را از میان بردارد تا از این طریق موانع بندگی خالصانه خداوند را کنار بزند. لذا باید نظام های سیاسی حاکم که مصداق طاغوتند را درهم شکست و این مانع بزرگ بر سر راه دعوت مردم به اسلام را بین برد. البته وقتی این موانع بر داشته شد، دعوت مردم به اسلام به وسیله زور نخواهد بود. سید قطب می گوید در عین حال که باید مردم را

می توان گفت سید قطب یکی از تاثیر گذار ترین متفکران معاصر جهان اسلام است. سید قطب آثار زیادی دارد ولی شاید مهم ترین و تاثیر گذار ترین اثر او آخرین کتابش یعنی «معالم فی الطريق» باشد که در زندان های جمال عبدالناصر نگاشته شده و به مانیفست جریان سلفیه جهادی مشهور است.

بعضی از تحلیل گران این کتاب را سرچشمه جریان تکفیری موجود در جهان اسلام دانسته و به شدت با آن به مخالفت بر می خیزند و برخی دیگر رویکرد تمدنی موجود در این کتاب را می ستایند. فارغ از اینکه کدام یک از این تحلیل ها درست باشد، آن چه انکار نشدنی است اهمیت بالایی این کتاب است که بررسی آن را ضروری می نماید. شاید بتوان خلاصه حرف سید قطب در «معالم فی الطريق» را همین یک جمله دانست: «اسلام تئوری نیست، برنامه است.» او می گوید اسلام برنامه ای است برای زندگی. لذا صرفاً در ذهن و دل مسلمانان موجودیت پیدا نمی کند، بلکه باید در متن جامعه عینیت یابد. سید قطب می گوید اسلام موجودیت نمی یابد مگر اینکه معتقدین به اسلام «در یک تجمع از گانیک هماهنگ و همکار و برخورد از یک وجود ذاتی مستقل تجسم یابند و اعضای این تجمع در جهت دفاع و توسعه این موجودیت زیر نظر رهبری مستقل و جدای از جامعه جاهلی عمل از گانیک داشته باشند»

بنابر این ما باید یک «جامعه» اسلامی بنا کنیم. این جامعه، جامعه ای است که در آن تمام ابعاد زندگی، اعم از بعد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فقط و فقط خداوند مورد عبادت قرار بگیرد. در این جامعه هیچ بنده ای بر بنده دیگر حاکمیت ندارد و سلطه تماماً برای خداست.

تنها چنین جامعه ای که در تمام ابعاد، خود را از بندگی انبای بشر آزاد ساخته و صرفاً حاکمیت خداوند در آن جاری است. اسلام است و هر جامعه ای غیر از این جاهلی است. حتی جوامع مسلمان کنونی نیز جاهلی اند، چرا که احکام اسلام در آن ها اجرا نشده و قوانین و ارزش های بشر ساخته بر آن ها حاکم است.

به دلیل اهمیت قانونگذاری الهی و جاری شدن سلطه خداوند در سطح جامعه است که موضوع «حکومت اسلامی» اهمیتی بی نظیر می یابد. سید قطب معتقد است: «عبادت کردن خدای یگانه - در جهان بینی اسلامی و در واقع عملی - تنها در سایه نظام اسلامی محقق می گردد»

رهبر معظم انقلاب که قبل از انقلاب چندین کتاب از سید قطب را ترجمه کرده و به همین خاطر به زندان های رژیم طاغوت نیز رفته است، در این باره می فرماید:

«مروح سید قطب در یکی از نوشته هایش حرفی دارد که من از چهل سال قبل یا شاید بیشتر که این حرف را دیدم، دائماً در ذهن من هست. او می گوید اگر طرفداران و داعیان اسلام - مضمون حرف این است. حالا جزئیات حرف چون خیلی قدیم دیدم، یادم نیست - به جای نوشتن این همه کتاب، به جای این همه تبلیغات، به جای این همه سخنرانی، اداره این همه مسجد، یک کار برای ترویج اسلام بکنند، آن کار از همه این کارها تأثیرش بیشتر است و آن اینکه در گوشه ای از دنیا - به ذهنم است می گوید در یک جزیره ای دور افتاده ای - یک حکومت اسلامی تشکیل بدهند؛ نفس تشکیل یک حکومت اسلامی در گوشه ای از این دنیای بزرگ اثرش از هزاران کتاب، هزاران سخنرانی، هزاران



بدون هیچ گونه روبری باستی از جاهلیت نجسی که در آن گرفتارند آگاه کرد، باید با نرمی و مهریانی آنان را به اطاعت از پروردگار دعوت نمود.

سید قطب معتقد است: «این نهایت سادگی است که کسی تصور بکند دعوتی، آزاد کردن انسان را در زمین اعلان کرده باشد و با این حال، بخواهد از طریق زبان و روشنگری با چنین موانعی - نظام های سیاسی و اقتصادی - مبارزه نماید... لذا جهاد برای این دعوت ضروری است و چه وطن اسلامی در امان باشد و چه از سوی همسایگان مورد تهدید قرار بگیرد، هیچ تفاوتی نخواهد کرد.» به اعتقاد او جهاد یک قانون دائمی و پایدار است. هیچگاه

شاید بتوان خلاصه حرف سید قطب در «معالم فی الطريق» را همین یک جمله دانست: «اسلام تئوری نیست، برنامه است.» او می گوید اسلام برنامه ای است برای زندگی. لذا صرفاً در ذهن و دل مسلمانان موجودیت پیدا نمی کند، بلکه باید در متن جامعه عینیت یابد

قائل به مبارزه مسلحانه بودند. اما فکر تمدنی امام «ره»، فکری منظومه ای و جامع بود که همه ابعاد دین اسلام را در بر می گرفت. امام «ره» هم جهادی بود ولی فقط جهادی نبود. فلسفه می بود، عرفانی هم بود، فقهی هم بود و فقط با چنین جامعیتی می توان به واقع ادعای نگرش تمدنی داشتن کرد. مشکل سلفی های جهادی این است که محصور در رویکردهای میلیتاریستی شده و سایر ابعاد را رها کرده اند. تفاوت سید قطب با امام این بود که امام «جامع» و به واقع دارای نگرش تمدنی بود ولی سید قطب از ویژگی جامعیت بی بهره بود.

بیان کرد ولی تفصیلش را نگفت. بعد از سید قطب عده ای آمدند و این اصل را به گونه ای بسط دادند که تکفیر از دل آن بیرون آمد.

صالح سریه و شکر مصطفی دو تن از رهبران جهادی مصر گفتند اگر مادر حکومتی باشیم که به احکام الهی عمل نکند، پس مردم این جامعه هم کافرند. در حالی که سید قطب چنین حرفی نزده بود. اینها مردم را هم تکفیر کردند ولی آنها را نکشتند، بلکه صرفاً از این جامعه جدا شده و در دل کوه پناه بردند. حال آن که سید قطب به جدایی اعتقادی از جامعه جاهلی حکم کرده بود نه جدایی فیزیکی. آن هلی گفتند حکام را باید کشت. بعدها

پیام سر لشکر سلیمانی به اسماعیل هنیه: امیدواریم تلاش شما تا آزادی قدس ادامه یابد

سر لشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در پیامی انتخاب «اسماعیل هنیه» به ریاست دفتر سیاسی حماس و نیز انتخاب «یحیی السنوار» به عنوان رئیس دفتر سیاسی این جنبش در نوار غزه را تبریک گفت. در این پیام خطاب به هنیه آمده است: امیدواریم به تلاش های شما برای ریشه دواندن و نهادینه کردن مقاومت در امتداد خط جهادی جنبش حماس هستیم. وی افزود: امیدواریم به دستان شما خبری که به سود ملت فلسطین است رقم بخورد؛ استکبار و ابزار صهیونیستی اش به دنبال ضربه زدن به امت هستند. فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران سپس تأکید کرد: استکبار جهانی و مزدور صهیونیستی آن دنبال منحرف کردن جهاد امت از مسیر اسلامی آن هستند؛ اینها به دنبال ربودن قدس هستند آن هم در لحظه ای سخت که حامیان این شهر دچار ضعف اراده شده اند و از آن دست کشیده اند. در بخش دیگری از پیام فرمانده نیروی قدس آمده است: امیدواریم سعی و تلاش شما تا آزادسازی مسجدالاقصی و تمام خاک فلسطین به دست قهرمانان فلسطینی ادامه یابد و قدس مانند گذشته دوباره به مکان دیدار تمامی مسلمانان و مسیحیان تبدیل شود.



اسلام انقلابی

رامین ولی زاده میدانی



نقطه عطف انقلاب ۱۴ فوریه بحرین رقم خورد

شده است، شاهد اقدامات سرکوبگرانه آل خلیفه علیه مردم این کشور بوده است. باین حال پس از گذشت شش سال از نقض حقوق اولیه مردم بحرین، سکوت جوامع بین المللی در مقابل این فجایع دردناک تر بوده است. مردم بحرین در این مدت تلاش داشته اند با روش های مسالمت آمیز اعتراض خود را به گوش آل خلیفه برسانند اما رژیم منعمه بالوله تفنگ به درخواست مردم خود پاسخ گفته است.

جنايات آل خلیفه در زندان ها و بازداشتگاه ها چنان سنگین است که بازگویی برخی از این رفتارها امکان پذیر نیست. رژیم بحرین علاوه بر مجازات دردآور علیه انقلابیون بحرین، اقدام به سلب تابعیت شماری از آن ها کرده که در تقابل با قوانین حقوق بین الملل است. حکومت این کشور با این اقدام خود به دنبال تغییر بافت جمعیتی بحرین است. اعطای تابعیت به بیگانگان و غیرمسلمانان از ابزارهای این واقعیت محسوب می شود. حال اقدام علیه آیت الله شیخ عیسی قاسم نقطه عطفی در مبارزات مردم انقلابی بحرین به شمار می آید. بی شک این اتفاق بعد از گذشت شش سال از قیام مردم این کشور علیه رژیم آل خلیفه تأثیر بسزایی در به نتیجه رسیدن انقلاب مردم بحرین خواهد داشت. شیخ عیسی قاسم از آغاز قیام مردم این کشور در میدان لؤلؤ بر اعتراضات مسالمت آمیز تأکید داشت؛ اما حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین پاسخی متفاوت به این اعتراضات داشت.

مقام معظم رهبری نیز در یک تذکر به حکومت آل خلیفه هشدار داده بودند که اقدام علیه آیت الله شیخ عیسی قاسم «به معنای برداشتن مانع از مقابل جوانان حماسی و پرشور بحرین برای انجام هر اقدامی در مقابل حکومت است». عدم توجه آل خلیفه به نصیحت های کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران پیامدهای جبران ناپذیری برای این حکومت خواهد داشت. در مجموع می توان گفت که رژیم منعمه با پوش به منزل آیت الله قاسم، دست به اقدام خطرناکی زده است که هر لحظه باید منتظر عواقب آن باشد. شیخ عیسی قاسم تنها رهبر دینی مردم بحرین نیست، بلکه مردم این کشور با ارادت به مرجعیت دینی، ایشان را رهبر روحی و معنوی خود



تسلیمات به ریاض کسب می کند، بعید به نظر می رسد در مقابل اقدامات سرکوبگرانه آل سعود و آل خلیفه در بحرین واکنشی نشان دهد. مظلومیت مردم انقلابی بحرین اکنون در مقابل اقدامات سرکوبگرانه رژیم های فاسد عربستان و بحرین بیش از پیش به تصویر کشیده شده است.

اگر رژیم منامه در شرایط کنونی اقدام به حمله علیه آیت الله شیخ عیسی قاسم کرده است، بی شک از حمایت های ریاض اطمینان دارد؛ چرا که آل خلیفه بعد از گذشت شش سال از انقلاب مردم بحرین نگرانی جدی از تاج و تخت خود دارد.

حمایت های گسترده ریاض نیز به دنبال تطمیع رئیس جمهور آمریکا صورت گرفته است. هم زمانی معنادار اقدام رژیم منامه علیه شیخ عیسی قاسم با موضوع ادعایی دونالد ترامپ مبنی بر مقابله با تروریسم اسلامی نشان می دهد که اقدام آل خلیفه با چراغ سبز واشنگتن انجام گرفته است. باید توجه داشت که عبارت جعلی تروریسم اسلامی یکی از خطرناک ترین مفاهیمی است که روسای جمهور آمریکا از آن استفاده کرده اند. جعل

در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را در مقابل دیدگان دونالد ترامپ به تصویر کشد. حال رژیم بحرین که با کمک نظامیان سعودی اقدامات سرکوبگرانه علیه مردم خود انجام می دهد، خطرناک ترین تصمیم در روند مقابله با انقلابیون بحرین را اتخاذ کرده است.

گذرگاه ملک فهد طی چند هفته اخیر شاهد خیل ورود نظامیان عربستان به بحرین بود که پیش از قرائت حکم علیه آیت الله شیخ عیسی قاسم صورت گرفت. این موضوع اماره های مهم از همکاری بسیار نزدیک منامه و ریاض برای افزایش سرکوب ها علیه مردم بحرین و اتخاذ تصمیم در رابطه با شیخ عیسی قاسم است.

رژیم آل خلیفه با اقدام اخیر خود پایه های مشروعیتی خود را متزلزل خواهد ساخت. ذکر این نکته ضروری است که آیت الله شیخ عیسی قاسم شخصیتی معتدل در بحرین محسوب می شود و می توانست روند اعتراضات مشروع مردم بحرین را به صورت آرام پیش برد؛ اما رژیم منامه با اقدام اشتباه خود مقابل هر گونه اعتراض مسالمت آمیز ایستادگی کرده است.

تداوم سرکوب های آل خلیفه با همکاری آل سعود

حمله به بیت آیت الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین در روزهای اخیر توجه رسانه های منطقه ای را به خود جلب کرد. دادگاه عالی بحرین حدود یک سال پیش اقدام به سلب تابعیت از شیخ عیسی قاسم کرده؛ اما از آن زمان شیعیان و مردم انقلابی بحرین اطراف منزل ایشان حلقه زده اند و در مقابل هر گونه حمله رژیم آل خلیفه به رهبر خود ایستادگی کرده اند.

یورش نظامیان رژیم بحرین به منطقه الدراز در حالی انجام گرفت که سرانجام دادگاه بحرین حکم صادره علیه رهبر معنوی انقلاب بحرین را یکشنبه گذشته صادر کرد. قرائت حکم علیه شیخ عیسی قاسم چندین بار به تعویق افتاده بود؛ اما در نهایت رژیم آل خلیفه چنین جراتی به خود داد که حکم وی را قرائت کند. حکمی که بر مبنای آن شیخ به یک سال حبس، پرداخت جریمه نقدی و توقیف بخشی از اموال متعلق به حوزه علمیه شیعیان محکوم شد.

سوالی که اینجام مطرح است، چرایی قرائت حکم و یورش نظامیان آل خلیفه در شرایط کنونی است. رژیم منامه چگونه توانسته بعد از گذشت یک سال جسارت حمله

رژیم منامه با یورش به منزل آیت الله قاسم، دست به اقدام خطرناکی زده است که هر لحظه باید منتظر عواقب آن باشد. شیخ عیسی قاسم تنها رهبر دینی مردم بحرین نیست، بلکه مردم این کشور با ارادت به مرجعیت دینی، ایشان را رهبر روحی و معنوی خود می دانند



می دانند. اقدام آل خلیفه نقطه عطفی در انقلاب ۱۴ فوریه بحرین است که آتش آن در آینده شعله ورتر خواهد شد و دامن آل خلیفه و حامیان آن را طعمه آتش خواهد کرد.

این عبارت اهداف بسیاری در پشت پرده دارد که مقابله بانديشه محور مقاومت در منطقه یکی از مهم ترین آثار آن محسوب می شود.

انقلاب مردمی بحرین که از ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ آغاز

پیامدهای جبران ناپذیری برای رژیم منامه خواهد داشت. بی شک اتخاذ هر گونه تصمیم علیه آیت الله شیخ عیسی قاسم می تواند روند مسالمت آمیز اعتراضات مردم انقلابی بحرین را دگرگون سازد. تغییر این روند نیز به هیچ وجه به نفع رژیم منامه نخواهد بود.

متأسفانه عربستان سعودی با انعقاد قرار دادهای تسلیحاتی خود با دونالد ترامپ تلاش داشته بر اقدامات ضد حقوق بشری و تروریستی خود سروش گذارد. واشنگتن که در شرایط کنونی سود کلانی را از فروش

به رهبر شیعیان بحرین را پیدا کند؟ در واقع در یک سال گذشته توجه به شرایط منطقه ای و تحولات کنونی یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در اقدام اخیر رژیم بحرین محسوب می شود.

سفر منطقه ای دونالد ترامپ به عربستان و سپس رژیم صهیونیستی در روزهای اخیر موجب تسریع در اقدام آل خلیفه شده است. ریاض در روزهای اخیر با دعوت از سران شورای همکاری خلیج فارس و نمایندگان آن از کشورهای عربی و اسلامی تلاش داشت محوریت خود



دبیر تحریریه: روح‌الله فرقانی فدافن
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی ناموار: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

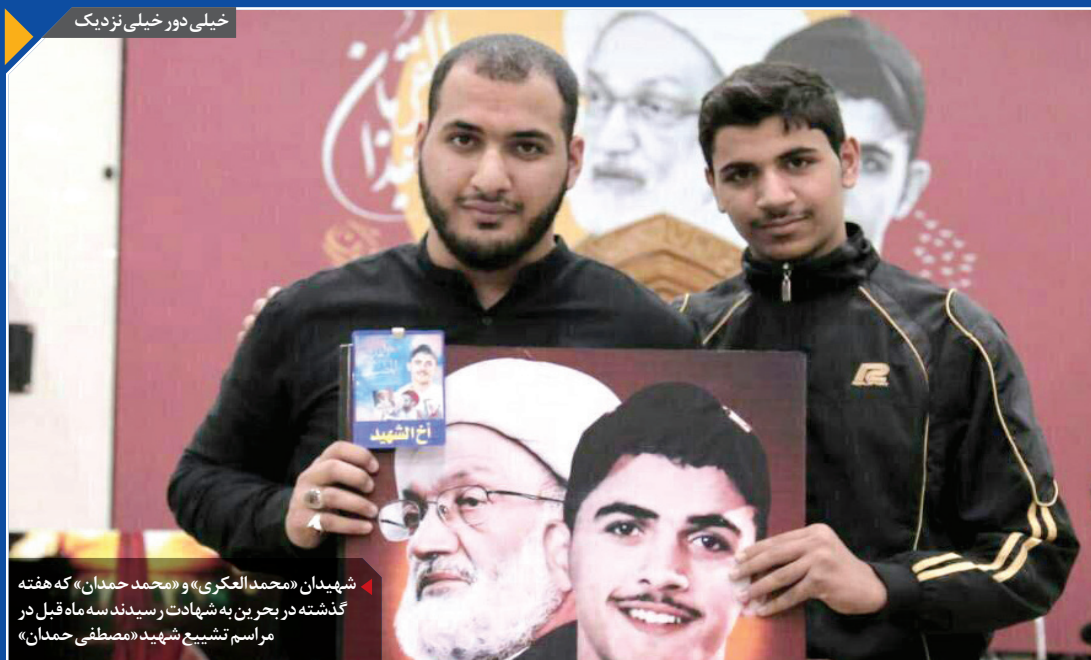
ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی

مردان ما ناگاه سر می‌رسند

◀ نزار قبانی

همیشه در انتظار ما باشید،
در هر آنچه ناگهانی است
مادر همه فرودگاه‌ها هستیم
و در همه بلیت‌های سفر
در روم و در زور بخ
از زیر سنگ می‌روئیم
از پشت مجسمه‌ها سر بر می‌کشیم
و حوضچه‌های گل
مردان ما ناگاه سر می‌رسند
در خشم آذر خش و در رگبار باران
در عبا پیامبر می‌آیند
یادر شمشیر اصحاب
زنان مارنج‌های فلسطین را بر اشک
درخت نقش می‌زنند
کودکان فلسطین را در وجدان بشر دفن
می‌کنند
زنان ما سنگ‌های فلسطین را به سرزمین
ماه می‌برند

خیلی دور خیلی نزدیک



شهیدان «محمد العکری» و «محمد حمدان» که هفته گذشته در بحرین به شهادت رسیدند سه ماه قبل در مراسم تشییع شهید «مصطفی حمدان»



قاره سیاه را بهتر بشناسیم



«قاره آفریقا» علی‌رغم گستردگی و تنوع جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی ای که دارد، در میان سایر ملل و از جمله ایرانیان چندان شناخته شده نیست.

این قاره که عمده کشورهای آن سالها مستعمره اروپایی‌ها بوده‌اند اکنون در سطوح مختلف مکانی مناسب برای تعاملات سیاسی، اقتصادی و مذهبی با ایران است، اما به دلیل فقدان اطلاعات کافی در خصوص این توانمندی‌ها، همواره از اولویت خارج بوده است.

کانال تلگرامی «Afro-interest» که متعلق به پایگاه خبری مرکز بین‌المللی مطالعات فرهنگی آفریقا می‌باشد، در تلاش است تحولات قاره آفریقا را به صورت تخصصی اطلاع‌رسانی کند. این کانال حاوی اخبار مختلف از قاره سیاه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است اگر چه بیشتر آنرا موضوعات سیاسی و بین‌المللی تشکیل می‌دهد. انعکاس تحولات داخلی کشورهای مختلف این قاره و ترجمه برخی مقالات مرتبط با این تحولات از جمله مطالب منتشره در کانال است.

علاوه بر آن انتشار برخی اخبار دست‌اول از آفریقا که مشابه آن در رسانه‌های ایرانی کمتر پیدای شود، از دیگر موضوعات انتشار یافته در کانال است.

انتشار برخی تصاویر، فیلم‌ها و مستندهای جذاب با هدف معرفی آفریقا و ظرفیت‌های آن هم از بخش‌های دیگر این کانال تلگرامی است.

برای دسترسی به کانال تلگرامی Afro-interest با پداز آدرس <https://t.me/Icoas> استفاده کرد.



نگاهی علمی بر جریان‌های اجتماعی معاصر در عراق



عراق به عنوان همسایه غربی ایران، از جهات مختلف برای ما اهمیت دارد، فارغ از اینکه ما بیشترین مرز مشترک را با این کشور داریم، اکثریت جمعیت هر دو کشور شیعه هستند و بارگاه ۶ تن از ائمه شیعیان هم در این کشور است که زمینه سفرهای گسترده هم میهنان به این کشور را فراهم می‌کند از این رو شناخت دقیق عراق، جغرافیا و جریانهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن برای ما موضوعیت دارد.

کتاب «مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق» نوشته دکتر شمس‌الله مریجی از جمله آثار است که برای نیل به این مهم نوشته شده است. اثر حاضر در صدد واکاوی و تحلیل تاریخ جریان‌های فکری و گروه‌های اثرگذار عراق است و می‌کوشد زمینه‌های فکری و عقیدتی احزاب و گروه‌هایی که هویت سیاسی-اجتماعی سده گذشته عراق را رقم زده‌اند از نظر بگذراند و تابلویی روشن و انتقادی از شرایط فکری حاکم بر این سرزمین حساس و مهم را در پیش روی خواننده به نمایش گذارد.

این پژوهش در سه بخش سامان داده شده است: احزاب و جریان‌های معاصر عراق، حوزه نجف و چالش‌های فکری معاصر، عراق امروز.

این کتاب زیر نظر دانشگاه باقر العلوم (ع) در ۴۰۸ صفحه به رشته تحریر درآمده و ناشر آن بوستان کتاب قم است.



پشت پرده حضور آمریکایی‌ها در افغانستان در «فرشتگان قصاب»



«فرشتگان قصاب» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی «سهیل سلیمی» ساخته سال ۱۳۹۱ است.

این فیلم روایت قاچاق اعضای بدن در افغانستان است و ماجرای مردی افغان به نام فرهاد را روایت می‌کند که همسرش در حمله آمریکایی‌ها در مدرسه‌ای گرفتار شده است و ...

فرشتگان قصاب یک فیلم تماماً ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی است و توانسته با دوری از شعارزدگی، یک اثر قابل قبول، چه در محتوا و چه در تکنیک را به تماشاگران عرضه کند.

در این اثر که به تهیه‌کنندگی محمد قهرمانی ساخته شده، بازیگرانی از ایران، افغانستان و لبنان به ایفای نقش می‌پردازند و البته فیلم تماماً در افغانستان اشغال شده روایت می‌شود.

ستاره پسیانی، محمدرضا غفاری، محمد جواد طاهری بازیگران ایرانی این فیلم هستند که در کنار دارین حمزه، پیر داغر، الیزابت دیت، پیتر کوآنچی و هادی شتات در فرشتگان قصاب بازی کرده‌اند.

در این فیلم حسن عباسی به عنوان مشاور فیلمنامه با سلیمی همکاری کرده است.

شرکت این اثر در جشنواره فیلم فجر با حواشی همراه بود اما در همین حال این فیلم موفق به دریافت ققنوس بلورین جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و جایزه جنگجویان نور Light Fighters از دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا شد. همچنین فرشتگان قصاب در نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم وحدت اسلامی هم حضور یافت.